

پول

از درون کدام مناسبات اجتماعی سر بر آورد! ف. م. جوانشیر

فصل دوم - کالا و تولید کالایی

5- کار ساده و کار بغرنج

پرسشی که مطرح می شود این است که کار تولید کنندگان کالاهای گوناگون که به منزله کار مشخص کاملاً متفاوت است چگونه به منزله کار مجرد انسانی با هم مقایسه می شود. در حالی که برای تولید کالاهای گوناگون، درجات متفاوتی از مهارت و قدرت و استعداد فکری و جسمی لازم است و اگر این مقایسه تنها از روی زمان کار انجام گیرد، آیا به کسانی که مهارت بیشتر و یا تخصص عالی تری دارند اجحاف نمی شود؟

پاسخ این پرسش این است که هر کار بغرنجی عبارت از ساده ترین کار انسانی است که به عدد معینی ضرب شده است. یعنی هر ساعت کار یک کارشناس برابر چندین ساعت کار ساده است. منظور از کار ساده عبارتست از آنچنان کاری که به حداقل تخصص و حداقل آمادگی و مهارت قبلی نیازمند باشد. طبیعی است که این حداقل تخصص و مهارت در جامعه های گوناگون یکی نیست و هر چه سطح تولید اجتماعی بالاتر و رشد یافته تر باشد میزان حداقل مهارت بالاتر است. کارکنانی که مهارتی بیش از حداقل دارند طبعاً برای کسب مهارت آموزش دیده اند و می توانند در هر واحد زمان، ارزشی بیش از کارکنان ساده تولید کنند.

در تولید کالائی مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید تبدیل کار بغرنج به کار ساده یعنی ارزشیابی مهارت های گوناگون نیز نه بطور آگاهانه و طبق محاسبه بلکه در بازار و در جریان رقابت انجام می گیرد. آنجاست که بر اثر تکرار مبادله و در طول زمان تعیین می شود که جامعه یک ساعت کار پیراهن دوز را برابر چند ساعت کار دهقان گندم کار ارزش می نهد.

از مجموع آنچه که درباره کالا و تولید کالائی گفته ایم امیدواریم خوانندگان توجه کرده باشند که کالا در عین حال که شیئی سودمند است که یکی از نیازهای انسان را برمی آورد، بیانگر یک رابطه اجتماعی است. ارزش مصرف کالا جنبه جسمانی دارد. می توان این ارزش مصرف را دید و لمس کرد. اما ارزش مبادله آن را نمی توان دید زیرا در جسم کالا نیست، بلکه در پیوند اجتماعی کالا است و تنها زمانی بروز می کند که مبادله ای در کار باشد. یعنی رابطه ای میان دو تولید کننده برقرار شود که آنان کالای خود را مبادله کنند. ارزش مبادله در حالت تکامل یافته اش، وقتی که انواع کالاها برای مبادله عرضه شده اند بیانگر مناسباتی است که میان توده تولیدکنندگان برقرار می شود. این ارزش است که در جریان نبرد شدید رقابت با کار لازم اجتماعی سنجیده می شود و جای تولید کننده را در بازار تعیین می نماید: او را بالا برده و ثروتمند می کند و یا ورشکست کرده و از میان می برد. ارزش مبادله در جسم کالاها نیست، در رابطه کالاها - یعنی در رابطه تولیدکنندگان کالاهاست و مقوله ای است اجتماعی.

6- تکامل و اشکال ارزش - پیدایش و ماهیت پول

در بازاری که امروز ما با آن سر و کار داریم مبادله کالا با کالا موجود نیست. در این بازار پول حاکم است، کالاها به جای این که با یکدیگر مبادله شوند خرید و فروش می شوند. هر کسی کالایش را می فروشد و با پولی که در دست دارد کالای مورد نیازش را می خرد. در این صورت تکلیف همه مطالبی که درباره مبادله کالا گفتیم چیست؟ چه رابطه ای میان آن نوع مبادله کالا با کالا، با بازاری که در آن پول حاکم است وجود دارد. پول چیست؟ از کجا آمده، عوامل دوگانه کالا و تضاد درونی آن در شرایط وجود پول چگونه بروز می کند؟

پاسخ این پرسش ها قبل از مارکس شناخته نبود. اقتصاد دانان بورژائی نمی توانستند ماهیت و نقش پول را کشف کنند و با برخورد سطحی احکام نادرستی برای توضیح واقعیت وجود پول اختراع می کردند. عده ای معتقد بودند که پول تنها يك قرارداد است که میان خریداران و فروشندگان بسته شده، عده ای می گفتند پول را دولت ها ابداع کرده اند و عده ای دیگر پول را نیز کالائی نظیر کالاهای دیگر می دانستند و تفاوتی میان پول و سایر کالاها قائل نبودند.

کشف ماهیت پول، چگونگی پیدایش آن و نقشی که در تولید کالائی مبتنی بر مالکیت خصوصی ایفا می کند، از خدمات مارکس است. مارکس برخلاف اقتصاددانان بورژوائی در پی حدس و توجیه نیست. او در این زمینه نیز شیوه برخورد علمی دیالکتیکی خود را بکار می اندازد و جریان تاریخی آن روند تکاملی را که به پیدایش پول منجر شده است دنبال می کند. نتیجه ای که بدست می آورد علمی، قاطع و راهگشاست.

نتیجه بررسی علمی مارکس این است که پول يك باره پدید نیامده و به اصطلاح ابداع و اختراع این و یا آن شخص و این یا آن دولت نیست. پول بر اثر تکامل مبادله و تولید کالائی پدید آمده و حاصل نیازمندی آن است. در طول قرن ها و قرن ها که مبادله کالا جریان داشته، ارزش کالا اشکال گوناگونی به خود گرفته تا این که شکل پولی ارزش پدید آمده است. چهارشکل اساسی که ارزش کالا در روند تکامل مبادله بخود گرفته به شرح زیر است:

الف - شکل ساده و یا تصادفی ارزش: چنانکه گفتیم مبادله در آغاز جنبه تصادفی داشت. در این نوع مبادله های تصادفی و تك به تك که منظم و تکرار شونده نبودند ممکن نبود که نسبت جا افتاده ای پدید آید. چه بسا در يك مبادله مثلا 30 من گندم با يك گوسفند مبادله می شد و در مبادله تصادفی دیگر 20 من گندم با يك گوسفند.

این حالت ساده و تصادفی شاید در نظر اول چیزی بیان نکند. اما با کمی دقت می توان در همین معامله دوگانگی کار موجود در کالا را دید و احساس کرد که در همین حالت تصادفی و ساده نیز ارزش مصرف کالا از ارزش آن جدا می شود و دو طرف مبادله به دو کالائی که در دست دارند به دو نظر متفاوت می نگرند. برای صاحب گندم، مقدار گندمی که برای مبادله عرضه کرده دیگر ارزش مصرف ندارد. او با این گندم دیگر به چشم يك ماده غذایی نمی نگرند. در نظر او این گندم وسیله ای است که توسط آن می توان گوسفندی بدست آورد و او می داند که این وسیله بر اثر کار و زحمت او ساخته شده و از آسمان نیفتاده است. اما برای این صاحب گندم، گوسفندی که در دست طرف مقابل است ارزش مصرف است. او با این گوسفند درست به چشم گوسفند نگاه می کند. مقدار شیر و پشم و گوشت آن را تخمین می زند. به این ترتیب ارزش مصرف گوسفند برای صاحب گندم همچون آئینه ایست که در آن نتیجه و یا ارزش زحمتی را که برای تولید گندم کشیده است می بیند.

برای دارنده گوسفند مسئله برعکس است. او به ارزش مصرف گوسفندی که برای مبادله عرضه کرده نیازی ندارد. و لذا برای او گوسفند ارزش مصرف نیست، بلکه حاصل زحمت است. وسیله ای است برای دریافت گندمی که به ارزش مصرف آن نیاز دارد او در آئینه ارزش مصرف گندمی که تحویل می گیرد، ارزش کار و زحمت خود را می بیند.

ب - شکل تام و یا گسترش یافته ارزش. بر اثر تکامل مبادله حالت ساده و تصادفی از میان می رود. تولیدکنندگان رفته رفته محصول بیشتر و منظم تری بدست می آورند و بطور منظم تری وارد مبادله می شوند و هر تولیدکننده ای نه تصادفا و نه فقط با یک تولید کننده، بلکه به شکل منظم و با بسیاری از تولیدکنندگان روبرو می شود. تولید کننده گندم اینک تنها با صاحب گوسفند روبرو نیست. او با تعداد زیادی تولید کننده روبرو است و می تواند گندم خود را نه تنها با گوسفند، بلکه با پارچه، لباس، کفش و انواع دیگر اشیاء مبادله کند. به عبارت دیگر در برابر او فقط یک آئینه گذاشته نشده، بلکه او ارزش زحمت خود را در انواع آینه ها می بیند. در این حالت گسترده مبادله، جدائی ارزش مصرف از ارزش، یعنی جدا شدن خصلت مشخص کار از خصلت مجرد آن آشکارتر است. کالائی در برابر انواع کالاهای دیگر، با ارزش های مصرف کاملا متفاوت قرار گرفته و مبادله می شود - یعنی آنچه که به وجود آورنده امکان مبادله است ارزش مصرف نیست. وجود جوهر واحدی در تمام این اشیاء است. درحالت گسترده، تولید کننده گندم در برابر گندم خویش نه یک معادل، بلکه انواع معادل ها می بیند. در برابر 20 من گندم او یک گوسفند، یا 4 جفت کفش و یا 20 متر پارچه و غیره می دهند و همه این ها معادل گندم او هستند.

پ - شکل عمومی ارزش. حالت گستردگی یافته نیز هنوز شکل کامل بیان ارزش نیست و با توسعه و تکامل روند مبادله غیرکافی می شود. دهقانی که صاحب گندم است و خواستار بدست آوردن کلاه، متوجه می شود که صاحب کلاه نیازی به گندم ندارد و دنبال کفش می گردد و در حالی که صاحب کفش نیز نیازی به کلاه او ندارد و دنبال پارچه و یا گوسفند می گردد.

برای این که نیاز این تولیدکنندگان برآورده شود. آنان باید چندین مبادله زنجیری همزمان انجام دهند و به نوعی با هم کنار بیایند که پس از چندین مبادله هم زمان، هر تولید کننده ای ارزشی را که در دست دارد تحویل داده و ارزش مصرفی را که می خواهد بدست آورد.

با تکامل مبادله این دشواری غیرقابل تحمل می شود. هر تولیدکننده ای که وارد بازار می شود می کوشد که ابتدا کالای خود را با آن چنان کالائی مبادله کند که خواستاران بیشتری دارد تا بعد بتواند کالای جدیدی را که بدست آورده و به ارزش مصرف آن نیازی ندارد آسان تر و سر فرصت یا کالای مورد نیاز خویش مبادله نماید. به این ترتیب در هر بازاری **کالای واسطی** پدید می آید: کالائی که حکم شکل عمومی معادل را دارد، همه کالاها با آن مقایسه می شوند. دارندگان کالاهای گوناگون حاضرند کالاهای خود را با آن مبادله کنند ولو این که مستقیما به خود آن کالا نیازی نداشته باشند. پیدایش شکل عمومی معادل حاصل تکامل طولانی امر مبادله، تکرار میلیونی مبادله هاست که بر اثر آن حالت تصادفی از میان رفته و کمیت کالاهائی که با یکدیگر قابل مبادله اند - ارزش برابر دارند - بطور عمده شناخته شده تا جایی که کالای معین باب بازار از سایر کالاها جدا شده و توانسته است نقش واسطه را ایفا کند.

ت - شکل پولی ارزش. کالاهائی که توانسته اند نقش واسطه یا شکل عمومی ارزش را ایفا کنند در نقاط و زمان های مختلف متفاوت بوده اند. در میان برخی از اقوام حیوانات اهلی و درمیان اقوام دیگر دندان فیل و انواع کالاهای دیگر چنین نقشی داشته اند. پیدایش چنین کالای واسطی البته کمک بزرگی به گسترش مبادلات است. اما خالی از نقص نیست. زیرا این کالاهای واسطه هنوز دارای خصوصیتی که مبادله کنندگان را به طور کامل اقناع کند نیستند. مثلا وقتی حیوانات اهلی نقش واسطه را ایفا می کردند مشکلاتی در بازار پدید می آمد. زیرا حیوان قابل تقسیم نیست. در حالیکه دهقانی که گندم خود را به بازار آورده نیازمند چندین کالای دیگر است و می خواهد چنان کالای واسطی بدست آورد که قابل تقسیم باشد: مقداری

از آن را در برابر پارچه، مقداری دیگر را در برابر لباس، مقداری برای کفش و غیره مبادله کند. بعلاوه نگاهداری و حمل و نقل حیوان اهلی در دسری است توام با خطر. و اگر دهقان گندم خود را این هفته در برابر گوسفند مبادله کند به این امید که هفته آینده به بازار برمی گردد تا کالای مورد نیازش را بدست آورد. باید مدت يك هفته گوسفند را تر و خشك كند و تازه خطر مرگ احتمالی آن را نیز بپذیرد. سایر کالاهای واسطه نیز همین نوع اشکالات را دارند.

در جریان تکاملی مبادله وقتی انسانها فلزات را کشف کرده و کاربرد آن را آموختند، دریافتند که بهترین کالائی که می تواند شکل عمومی ارزش را ایفا کند فلز است. و البته بهتر و کامل تر از همه، فلزات قیمتی، حسن فلز این است که تقسیم می شود بدون اینکه ارزش خود را از دست بدهد. هر تکه فلز به نسبت وزنش ارزش دارد. حمل و نقل و نگاهداری آن آسان است و آنچه مربوط به فلزات قیمتی است - علاوه بر همه این ها این حسن را دارند که با وزن کم ارزش زیاد داشته و در مقابل تاثیر شیمیایی آب و هوا و محیط مقاومند و لذا حمل و نقل و حفظ و نگهداریشان آسان تر است.

به این ترتیب در مرحله ای از تکامل تولید کالائی و مبادله، فلزات رنگین و بطور عمده فلزات قیمتی به عنوان شکل عمومی ارزش پذیرفته می شوند که این مقام خود را به طور ثابت تا امروز نیز حفظ کرده اند.

فلزات ابتدا مثل سایر کالاها تکه تکه مبادله می شدند. اما در طول زمان لازم آمد که آن ها را به قطعات هم وزن و استاندارد تقسیم کنند و روی هر قطعه، وزن فلز را بنویسند که این امر به صورت ضرب سکه کامل شد و پول پدید آمد. روی سکه ها اسامی معین گذاشته شد: تومان، ریال، فرانك و ... و غیره.

تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته حاکی از آن است که پول فلزی حدود چهار یا پنج هزار سال پیش پدید آمده و قدیمی ترین سکه ها حدود سه هزار سال پیش ضرب شده است. **با پیدایش پول، کالاها صاحب قیمت شدند، بدین معنا که ارزش آنها با پول بیان شد.**

ث- پیدایش پول در ایران. اطلاعاتی که از ایران باستان بدست آمده نشان می دهد که در کشور ما نیز تولید کالائی درست با همان خطوط اساسی که در صفحات پیش توضیح دادیم پدید آمده، گسترش یافته و سپس به پیدایش پول و سکه انجامیده است.

در کهن ترین بخش های اوستا هنوز اسمی از سکه و پول نیست. در آنجا مزد را با چهار پایان اهلی و سایر کالاها می سنجند. از جمله در اوستا درباره مزد پزشك گفته می شود که اگر پزشکی "اتورپان (موبد) را درمان کند برای يك لآفرین نيك (یعنی رایگان)، خانخدای را درمان کند به ارزش پست ترین ستور، دهخدای را درمان کند به ارزش يك ستور میانگین، شهربان شهر را درمان کند به ارزش بهترین ستور، شهریار کشور را درمان کند به ارزش يك گردونه چهار اسبه" مزد می ستاند. در جای دیگر اوستا گفته می شود: "بزرگ زاده را درمان کند به ارزش بهترین ستور، بهترین ستور را درمان کند به ارزش ستور میانگین، ستور میانگین را درمان کند به ارزش پست ترین ستور، ستور پست ترین را درمان کند به ارزش يك پاره گوشت" مزد می ستاند.

در اوستا از اینگونه فقرات که می رساند مزد کار و داد و ستد با جنس بوده بسیار است. در بخش های جدیدتر اوستا از رشوه ستانی سخن رفته ولی هنوز اسم سکه نیست. بلکه از قطعه و پاره فلزات سخن می رود و "پارك ستان" به معنای رشوه خوار می آید. به عبارت دیگر معلوم می شود که بر اثر تکامل تولید و مبادله مرحله ای فرا رسیده که فلزات جای ستور را در داد و ستد گرفته اند ولی هنوز سکه ضرب نشده. بلکه قطعات و پاره های فلز واسطه مبادله بوده است (هم اکنون در کشور همسایه ما ترکیه به جای پول کلمه "پارا" به کار می برند که همان کلمه "پارك" فارسی است)

پس از این مرحله است که سکه پدید می آید، یعنی عیار و وزن پاره فلز را به صورت خط و نقش روی آن نقش می کنند. در کشور ما پول مسکوک از قرن ششم پیش از میلاد شناخته شده ولی در آن زمان هنوز در خود ایران سکه ضرب نشده است. سکه ابتدا از کشور همسایه ما لیدیا به ایران آمده و رواج یافته است. کوروش لیدیا را فتح کرد، ولی دلیلی در دست نیست که به نام خود سکه زده باشد. ظاهراً برای نخستین بار داریوش اول (521-485 پیش از میلاد) سومین پادشاه هخامنشی بود که در ایران سکه زد و بر آن شد که پولی به وجود آورد که در همه کشورهای زیر سلطه اش پذیرفته شود. به ویژه در زمان وی به واسطه وجود سکه های گوناگون کار داد و ستد در هم و برهم بود و می بایست سکه ای به وجود آورد که ارزش محلی نداشته، در پهنه شاهنشاهی شناخته شده باشد. داریوش سکه زر زد که نمونه های آن به ما رسیده و در نوشته های پیشینیان یاد شده است. با این حال در زمان داریوش و جانشینانش با آن که مسکوک موجود بود چیزهای دیگر هم به جای سکه به کار می رفت و تنها با مرور زمان و گسترش تولید کالائی و داد و ستد بود که پول بر بازار تسلط یافت⁽¹⁾.

ج - ماهیت پول

به این ترتیب پول در جریان طولانی تولید کالائی و مبادلات پدید آمد. پول کالا است ولی نه کالائی مانند همه کالاهای دیگر.

پول کالای ویژه ای است که از جمع کالاها جدا شده و نقش معادل عمومی را به عهده می گیرد و به این دلیل خصوصیتی کسب می کند که کالاهای دیگر فاقد آنند.

پیدایش پول و قیمت مرحله کیفی نوینی در روند تکامل مبادله و تولید کالائی است. پول که يك کالا است وقتی نقش واسطه را به عهده می گیرد و به عنوان تنها واسطه مبادله همه کالاهای دیگر از میان جمع سر می افرازد، وقتی پول می تواند در يك لحظه به هر کالای دلخواه دیگری بدل شود، چنان قدرت اقتصادی کسب می کند که قبل از پیدایش پول وجود نداشته است.

وقتی پول پدید می آید بازار به دو قسمت تقسیم می شود. در يك سو پول و در سوی دیگر همه کالاهای دیگر قرار می گیرند. ارزش همه کالاها در پول منعکس می شود و به وسیله پول بیان می شود. پول واحد اندازه گیری ارزش سایر کالاها است. هر کسی که کالائی وارد بازار می کند ابتدا باید آن را بفروشد - یعنی با پول مقایسه کرده و به پول بدل نماید و از این طریق معلوم کند که اصولاً کالای او در جامعه پذیرفته است یا نه و اگر هست ارزش آن چقدر است.

تبدیل کار انفرادی به کار اجتماعی توسط پول انجام می شود که تجسم بلافاصله کار اجتماعی لازم و مقیاس اندازه گیری آن است. هر تولید کننده مجزا و منفرد از طریق پول و به وسیله پول کار انفرادی خود را با کار اجتماعی می سنجد. بنابراین، پول تنها يك واسطه ساده مبادله کالاها نیست. رابط میان تولید کنندگان است. مناسبات آن ها را با یکدیگر تعیین می کند. آن که در رقابت پیروز شده بالا می کشد. آن که را که شکست خورده به خاک می نشاند. پول تجسم مناسبات اجتماعی مرحله معینی از تولید کالائی است.

(1) ابراهیم پورداود در کتاب "هرمزنامه" زیرعنوان "پول" توضیح بالنسبه مفصل و جالبی درباره تاریخ پول در کشور ما

داده است که اگرچه بیشتر جنبه بحث لغوی دارد بعد کافی روشنگر است. آنچه ما آوردیم خلاصه ای است از این

نوشته .

پول يك مقوله اقتصادى است كه جنبه تاريخى دارد، در پله معينى از توليد كالائى پديد آمده و ويژه توليد كالائى است. زمانى كه توليد كالائى از ميان برود، نيازى به پول نخواهد بود.

راه توده 177 19.05.2008